

آموزش توحید محور

هدف از بیان مسائل توحیدی

ارزش انسانها به میزان ادراک آنهاست، و هرچه سطح ادراک انسانها نسبت به جهان هستی، مقام انسانیت و مسیر زندگی بالاتر می رود؛ شخصیت او عیار پیدا می کند و عیار آدمی افزایش پیدا می کند. یک استاد، یک معلم نقش مهمی در ارتقاء سطح ادراکی دانش آموختگان دارد. نه فقط صرف افزایش اطلاعات بلکه افزایش قدرت فهم تحلیل استدلال، نقادی، آینده نگری کلان نگری و واقع بینی. قدرت تحلیل مسئله این توانایی را به انسان می دهد تا مسائل اجتماعی مورد نیاز را تحلیل کند. (برگرفته از کلام استاد)

توحید داروی همه دردها

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (فرقان / ۵۸)
و بر آن زنده که نمی میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است.
الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد / ۲۸)
همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

آموزش توحید محور

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَيَّ مَا مَتَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا وَ كَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْنُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَ لَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَلَذُّدُوا بِهَا تَلَذُّدًا مِنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّةِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِنْ مَعْرِفَةَ اللَّهِ وَ جَلَّ أَنْسَى مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ وَ صَاحِبٍ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ وَ نُورٍ مِنْ كُلِّ ظِلْمَةٍ وَ قُوَّةٍ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَ شِفَاءٍ مِنْ كُلِّ سَقَمٍ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَوْمٌ يَقْتُلُونَ وَ يَحْرَقُونَ وَ يَنْشُرُونَ بِالْمَنَاسِيرِ وَ تَضِيقُ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا فَمَا يَرُدُّهُمْ عَمَّا هُمْ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنْ غَيْرِ نَرَةٍ وَ تَرَوَا مِنْ فَعَلٍ ذَلِكَ بِهِمْ وَ لَا أَدَى بَلْ مَا نَعَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ دَرَجَاتِهِمْ وَ اصْبِرُوا عَلَى نَوَائِبِ دَهْرِكُمْ تَدْرِكُوا سَعِيهِمْ.

جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

اگر مردم می دانستند در معرفت و شناخت خدا چه فضیلتی نهفته است هرگز به رونق زندگی دنیا و نعمتهای دنیوی که خداوند به دشمنان خود داده نظر نمی افکندند و دنیای آنها در نگاه ایشان زبونتر از چیزی بود که آنها زیر پای خود لگد می کنند. و ایشان بهره مند گردند به معرفت و شناخت خدای عز و جل و بدان شادکام باشند چونان شادکامی کسی که همیشه در باغهای بهشت با اولیای خدا به سر می برند. همانا شناخت خدای عز و جل انس بخش هر وحشتی، و یار و همدم هر گونه تنهایی، و روشنا بخش هر ظلمتی و نیرو رسان هر ناتوانی و در مان هر دردی است. سپس فرمود: همانا پیش از شما مردمی بودند که گشته می گشتند و به آتش کشیده می شدند و با اره تکه تکه می گشتند و زمین با همه پهناوری بر ایشان تنگ می شد، و تمام این شرایط آنها را از باوری که داشتند بر نمی گرداند، و کسانی که بر سر آنها چنین بلاهایی می آوردند نه به سبب مطالبه خون یا آزاری بود که از آنها می دیدند، بلکه از ایشان تنها از آن روی انتقام می کشیدند که، بخدای نیرومند ستوده، ایمان داشتند. پس از پروردگارتان درجات ایشان را طلب کنید و بر ناگواریهای روزگار خود شکیب ورزید، تا به پیامدهای تلاش آنها دست یازید. (کافی/۲/۲۹۲)

انسان اگر توحید را خوب حس بکند و بفهمد که امانت دار است در این عالم، و از خودش استقلالی ندارد، خود به خود ریشه رنج ها و غم ها در وجود انسان می سوزد.

از زاویه دیگر انسانها به دنبال لذت بخش ترین لذتها هستند اگر بفهمیم و باور کنیم که منبع همه کمالات و خوبیها و زیباییها خداوند متعال است اگر به او تکیه و خودمان را به او متصل کنیم می توانیم به برترین شیرینیها دست پیدا کنیم اگر در دنیا دنبال جمال و زیبایی هستیم چرا به جای جمال آفرین به دنبال جمالهای محدود حسی باشیم؟ اگر به دنبال علم و قدرتییم چرا به دنبال خالق علم و قدرت و منبع آن نباشیم؟

آموزش توحید محور

ای دوست شکر بهتر یا آنک شکر سازد
ای باغ توی خوشتر یا گلشن گل در تو
ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش
ای عشق اگر چه تو آشفته و پرتابی
بیخود شده آنم سرگشته و حیرانم
دریای دل از لطفش پر خسرو و پر شیرین

خوبی قمر بهتر یا آنک قمر سازد
یا آنک بر آرد گل صد نرگس تر سازد
یا آنک به هر لحظه صد عقل و نظر سازد
چیزیست که از آتش بر عشق کمر سازد
گاهیم بسوزد پر گاهی سر و پر سازد
وز قطره اندیشه صد گونه گهر سازد.

توضیح

ریشه همه دردها و رنج‌ها دل‌بستگی‌های ماست. هرگاه انسان غصه می‌خورد به جهت از دست دادن چیزی در گذشته یا ترس از دست دادن آن در آینده است و ریشه آن دل‌بستگی انسان به آن چیز است و الا هر روز هزاران چیز در گوشه و کنار عالم نابود می‌شود و هزاران نفر از دنیا می‌روند ولی ما هیچ‌گاه برای آنها غصه نمی‌خوریم یا اندکی ناراحت می‌شویم چون به آنها دل‌بستگی نداریم آدمی در عالم خوش است در آرامش که به چیزی که همیشه هست دل‌بسته باشد و اگر انسان بخواهد این طور باشد باید از تعلق و دلدادگی به غیر خدا رها شود چون هرچه غیر خدا باشد از انسان جدا می‌کنند کسی که می‌خواهد از هر رنج و سختی و فشاری در امان بماند باید حتی دل‌بستگی به خودش را نیز از وجودش بیرون کند. مرگ انسان را از دنیا جدا می‌کند و به همین دلیل مرگ برای آنها که به این دنیا دل‌بستگی دارند خیلی سخت است کسانی که از این دنیا عبور و وارد برزخ می‌شوند در برزخ هم دل‌بستگی‌هایی همراه شخص است که باید از آنها جدا شود وقتی انسان وارد عرصه قیامت می‌شود اولین نقطه ورود به قیامت تجلی توحید است که از آن به (نفخ صور) تعبیر می‌کنند در این مرحله به (فزع) و (صعقه) دچار می‌شوند و ترس شدید و فریادهای کشنده مبتلا می‌گردند چون می‌خواهند حقیقت توحید را به انسان نشان دهند و پرده‌ها کنار رود و به آدمی بفهمانند تو هیچی و هیچ کمالی را به صورت مستقل از خود نداری و همه چیز متعلق به خداست تویی که در دنیا مقام و مرتبه‌ای داشتی، تویی که علم و دانش داشتی، تویی که پول و مال و جاه داشتی و خودت را از دیگران برتر می‌دیدي و برای خودت شان و منزلتی قائل بودی و تویی که نسبت به همکارت فرزند و همسرت و برادرت یا همسایه ات در قلبت حس برتری داشتی، (چهار بعد جمادی، نباتی، حیوانی، و علمی) حالا ببین صفر صفر هستی و این حقیقت را انسان در دنیا روی آن باید تمرکز کند تا وارد قلب و شخصیتش شود و فریضه نماز بهترین تمرین تمرکز بر خداست که انسان در طول روز خداوند این هدیه گرانبها را به او داده و انسان اگر بی توجه به آن باشد بعد انسانی و حقیقی انسان نابود و در تولد جدید ناقص در برزخ متولد خواهد شد.

آموزش توحید محور

مرحوم علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) می فرماید:

در ایام تحصیل که در نجف بودم، مدتی ارتباط با ایران به سختی برقرار بود که موجب فقد زمینه مالی و کمبود وسایل اولیه رفاه می شد. علاوه، گرمی هوا در نیمی از سال، برای ما مشکلات بیشتر فراهم می کرد.

به همین جهت روزی خدمت استادم، آیت الله قاضی، رسیدم و قصه دل به او گفتم: [ایشان نصیحتی فرمودند] آن گاه که از خدمت استاد مراجعت کردم، گویی آن چنان سبک بارم که در زندگی هیچ گونه ملالی ندارم و مضمون پند ایشان را به صورت شعری در آوردم.

دوش که غم پرده ما می درید	خار غم اندر دل ما می خلید
در بر استاد خرد پیشه ام	طرح نمودم غم و اندیشه ام
کاو به کف آینه تدبیر داشت	بخت جوان و خرد پیر داشت
گفت که «در زندگی آزاد باش!	هان! گذران است جهان، شاد باش!
رو به خودت نسبت هستی مده!	دل به چنین مستی و پستی مده!
زانچه نداری ز چه افسرده ای	وز غم و اندوه، دل آزرده ای؟!
گر ببرد و ر بدهد دست دوست	ور ببرد و ر بنهد ملک اوست
ور بکشی یا بکشی دیو غم	کج نشود دست قضا را قلم
آنچه خدا خواست همان می شود	و آنچه دلت خواست نه آن می شود